نگاه

پس‌لرزه‌های ماجرای «ژن خوب»

• دیروز بود که انتشار مصاحبه حمیدرضا عارف، پسر معاون اول دولت اصلاحات، حاشیه‌ساز شد و درست زمانی که انتظار می‌رفت این حاشیه کم‌کم از مرکز توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی به حاشیه برگردد، اظهارات سیدمصطفی، پسر عبدالواحد موسوی‌لاری، دوباره آن را زنده کرد.

مصاحبه حمیدرضا عارف محورهای متعددی داشت که هرکدام بخشی از نقدها را به خود معطوف کرد، اما پررنگ‌ترین کلیدواژه‌ای که در نقدها استفاده شد، «ژن خوب» بود. حمیدرضا عارف در آن مصاحبه در جواب به نقدهایی که موفقیت‌های او را در عرصه‌های متفاوت حاصل رانت می‌داند، از ژن و خون خوبی گفت که او از مادر و پدر خود گرفته و عامل موفقیت او بوده است. این اظهارنظرات بود که افکار عمومی، رسانه‌های آنلاین و روزنامه‌ها را به واکنش برانگیخت، اما روز گذشته پسر یک اصلاح‌طلب شناخته‌شده دیگر، مانع از مختومه‌شدن این حاشیه شد.

«مرگ شیرشاه یکی از مشهورترین سکانس‌های مرگ در فیلم‌های دنیاست، اما یک نکته آن برای من خیلی جذاب است. اگر درست خاطرم مانده باشد کفتارها چند گاو وحشی را می‌ترسانند و ناگهان تمام گاوها شروع به دویدن می‌کنند.

این در حالی است که اکثر گاوها اصلا نمی‌دانند موضوع از چه قرار است، یعنی نمی‌دانند از چه می‌گریزند و حال به کدام هدف می‌دوند.

فقط همراه با بقیه می‌دوند و در این میان شاه محبوب خود را می‌کشند! موج‌های توییتری که این روزها شکل می‌گیرد عجیب آدم را به یاد این سکانس می‌اندازد!». این متن به‌همراه عکسی از سکانسِ فیلم مذکور در حساب اینستاگرام سیدمصطفی موسوی‌لاری، پسر وزیر کشور دولت اصلاحات، منتشر شد.

این اظهارات مصطفی موسوی‌لاری نمی‌توانست از سوی افکار عمومی بی‌ارتباط با موج انتقادی روزهای اخیر به حرف‌های حمیدرضا، پسر محمدرضا عارف، دیده شود. حتی اگر او بی‌غرض و صرفا جهت نهیبی برای فروکاستن از انتقادات چنین مطلبی را منتشر کرده باشد، استفاده از کلیدواژه‌هایی چون کفتار، شیر و گاو (که با هشتگ تأکید هم شده بودند) در کنار بحث‌های ژن و خون خوب که حمیدرضا عارف مطرح کرده بود، یادآوری دید برتری نژادی‌ای شد که پسر عارف در دفاع از موفقیت‌های خود از آن استفاده کرده بود.

شباهت دیگر حاشیه پدیدآمده حول این دو فرزندِ سیاسی این بود که بعد از اظهارنظر اصلی مجبور به توضیح شدند، اما برخلاف حمیدرضا عارف که موج انتقادات به خود را عقده‌گشایی، تهمت و فحاشی خوانده بود، مصطفی موسوی‌لاری با حذف پست اینستاگرام خود در توییتر نوشت: «با توجه به سوءبرداشت برخی از دوستان از پست اینستاگرام، ضمن عذرخواهی از همفکران اصلاح‌طلب پست مذکور را برمی‌دارم و امیدوارم بنده را عفو کنید!».

گفتنی است که حاشیه پدیدآمده درخصوص حمیدرضا عارف بسیار فراگیر بود؛ از فعالان سیاسی، دانشجویی و رسانه‌ای تا هنرمندان به اظهارات او انتقاد نشان دادند.

این موج انتقادی هنوز هم ادامه داشت و برای مثال شهرام جزایری روز گذشته در یک فیلم کوتاه (کمتر از یک‌دقیقه) در جواب به سؤال خبرنگاری راجع به این حاشیه گفت: «موفقیت ۵۰ فاکتور دارد که یکی هم ژنتیک است و زیبایی، آن آقازاده هم احتمالا شکل ظاهری و خوشگلی داشته که می‌گوید ژنم خوب است»، به موج بعدی که حاصلِ نوشته مصطفی موسوی‌لاری بود، پیوست. مصطفی موسوی‌لاری هم با نوشته خود در اینستاگرام هیزم به آتش همین حاشیه ریخت و آن را دوباره به مرکز توجه فضای مجازی آورد تا این‌بار مرکزیت نقد بر او متمرکز باشد.

نقد به «آقازادگی» بحث جدیدی نیست، اما با بازگشت اصلاحات به عرصه رسمی قدرت و تأثیر خیره‌کننده لیست‌های انتخاباتی اصلاح‌طلبان (ملقب به لیست امید) این بحث درون تحول‌خواهان و اصلاح‌طلبان و با تمرکز به نقد از خود پررنگ شده است. با نزدیک‌شدن به انتخابات شوراهای شهر و روستا، به‌واسطه گزینش بازتر نامزدهای این انتخابات بحث نحوه بستن لیست در مرکز توجه قرار گرفت. این‌بار شورای نگهبانی در کار نبود تا تعداد نامزدهای اصلاح‌طلب را کم و نتیجتا انتخاب لیست را کم‌حاشیه‌تر کند.

از دل بحث بر سر لیست، نقدهایی تند به آقازادگانی که قصد ورود به لیست امید را داشتند، از سر گرفته شد. شاید بتوان گفت که افکار عمومی توانست مقداری در لیست‌ها هم بازتاب بیابد.

این مباحث به‌نوعی افکار عمومی را نسبت به حرف‌ها، نوشته‌ها و اعمال فرزندان سیاسیون حساس کرده است.

حجت‌الاسلام علی رضایی از خطبه‌های نماز بیرجند می‌رود

امام جمعه بیرجند استعفا داد

گروه سیاست: حجت‌الاسلام علی رضایی بیرجندی هم استعفای خود را از امامت جمعه بیرجند به شورای سیاست‌گذاری امامان جمعه تحویل داد، آن‌هم درحالی‌که هنوز یک‌سال‌ونیم دیگر از حکم امامت جمعه او باقی مانده بود. دو امام‌جمعه مستعفی اخیر به‌لحاظ سیاسی به دولت نزدیک‌ترند و تریبون‌های نماز جمعه در این شهرها کمتر رنگ جناحی به خود دیده است. استعفای هیچ‌کدام البته هنوز رسما پذیرفته نشده است. به گزارش ایسنا، مدتی بود که شایعه انصراف حجت‌الاسلام علی رضایی از امامت جمعه مرکز بیرجند و رفتن وی از استان در فضاهای مجازی و واقعی مطرح بود. هرروز بر حرف‌وحدیث‌ها در این زمینه افزوده می‌شد تا اینکه جمعه گذشته امام‌جمعه موقت بیرجند در جمع نمازگزاران از رفتن وی خبر داد. رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه استان با بیان اینکه بحث رفتن امام‌جمعه بیرجند از استان از قبل مطرح بود، گفته است: «حجت‌الاسلام رضایی به‌طور رسمی استعفای خود را از امامت جمعه مرکز استان اعلام کرده است».

حجت‌الاسلام رحیم‌آبادی در مورد زمینه کاری و محل خدمت بعدی رضایی نیز بیان کرد: «هنوز چیزی در این زمینه به قطعیت نرسیده و فقط در حد گمانه‌زنی است، شاید برنامه علمی خود را دنبال کند یا در سنگر دیگری از وی استفاده شود».

او درباره طرح موضوع احتمال انتصاب آیت‌الله عبادی به‌عنوان امام‌جمعه مرکز استان نیز گفته است: «مسئولان استان حق انتخاب امام‌جمعه را ندارند و امام‌جمعه باید از طریق شورای سیاست‌گذاری امامان جمعه کشور انتخاب شود و این موضوع قطعیت ندارد». همچنین زنگویی، رئیس ستاد نماز جمعه بیرجند، گفته است: «خبر موثقی در مورد زمینه فعالیت وی ندارم، اما به احتمال زیاد، ایشان در آخرین خطبه خود همه‌چیز را در مورد رفتنش خواهد گفت».

ماجرای اسفند

اسفندماه گذشته جمعی از اصولگرایان بیرجند در اعتراض به عملکرد استاندار در نماز جمعه، تجمع و تحصن کرده بودند. این تحصن در اعتراض به بخشی از سخنان پرویزی، استاندار خراسان جنوبی، صورت گرفته بود که گفته بود: «متأسفانه برخی افراد به نام دین با همه مباحث در حوزه هنر برخوردی متعصبانه و سلبی داشته و با آن مخالفت می‌کنند که این امر نه‌تنها بر اساس آموزه‌های دینی ما پذیرفتنی نیست، بلکه موجب بدبینی اقشار مختلف جامعه نسبت به دین و مباحث معنوی است». به گزارش یک سایت محلی، «در این تجمع برخی هم پلاکاردهایی با محتوایی علیه حجت‌الاسلام رضایی در دست داشتند، اما حجت‌الاسلام دلدار، امام‌جمعه موقت بیرجند، به آنها گفته بود: برخی عناوین و صحبت‌هایی که در رابطه با حجت‌الاسلام رضایی در دست برخی هست خلاف‌واقع است، بنده با ایشان رابطه دارم و ایشان این‌گونه آدمی نیست. از میان جمعیت کسی بلند فریاد زد: به والله هست! و دوباره فضا متشنج شد و خشم مردم از رفتار حجت‌الاسلام رضایی شعله‌ور شد». همان زمان گفته شد که حجت‌الاسلام رضایی، امام‌جمعه بیرجند که از حضور در جمع متحصنین خودداری کرده بود، مقیمی - قائم‌مقام وزیر کشور- را به حضور پذیرفته بود، درحالی‌که آیت‌الله عبادی (نماینده ولی‌فقیه) مقیمی را به حضور نپذیرفته و دیدار را مشروط به صحبت با متحصنین دانسته بودند.

استعفای امام‌جمعه کرمان

هفته گذشته هم خبر استعفای آیت‌الله جعفری، امام‌جمعه کرمان، منتشر شد. اخباری ضدونقیض درباره علت استعفای او البته از روزهای قبل به گوش می‌رسید. گفته شد که او به علت مشکل جسمی استعفا داده است. فرزندش اما تکذیب کرد و از فشارهایی که برای استعفای او از مدت‌ها قبل در کار بوده خبر داد. خود آیت‌الله جعفری اما در نماز جمعه اعلام کرد اجبار و اکراهی برای کناررفتن او در کار نبوده است. سیدهادی جعفری به ایلنا گفته بود: «آیت‌الله جعفری یک ماه پیش هنگام اقامه نماز عید فطر، چند لحظه دچار مشکلات تنفسی شد، اما نماز بدون هیچ مشکلی برگزار شد و مثل ۳۷ سال گذشته کارهای خودشان را انجام می‌دهند و هیچ‌گونه کسالتی نیست که مانع اقامه نماز توسط ایشان شود. برخی افراد این‌طور وانمود کردند که ایشان مشکل تنفسی دارد و از مسئولیت امام‌جمعه کرمان کنار برود». خبرگزاری «تسنیم» پیش از این گزارش داده بود که آیت‌الله جعفری گفته است به علت کهولت سن، ادامه مسئولیت به‌عنوان نماینده ولی‌فقیه برایم مقدور نیست و به همین دلیل استعفای کتبی خود را به دفتر رهبر معظم انقلاب اعلام کردم و منتظر امر رهبری در رابطه با این موضوع هستم. روابط‌عمومی دفتر «آیت‌الله جعفری» به سایت «کرمان‌نو» گفت، دفتر رهبری هنوز با استعفای آیت‌الله جعفری موافقت نکرده است.

آیت‌الله سیدیحیی جعفری در خطبه‌های نماز جمعه این هفته گفت: «بنده در ۳۷ سال گذشته از خط و خط‌بازی طبق شهادت دوستان حذر کردم و اگر موفقیتی بوده به دلیل این مهم است. همه انسان‌ها یک روز به مرحله کهولت سن و بازنشستگی می‌رسند و بنده هم از این اصل مهم مستثنا نیستم. هیچ اکراه و اجباری در مورد من در کار نبوده و نیست و من تشکر می‌کنم از مسئولان و مردم که نسبت به بنده لطف دارند».

شایعه استعفای آیت‌الله جعفری هم‌زمان با مراسم تقدیر از او قوت گرفت. نزدیک به دو هفته پیش مراسم رونمایی از کتاب «آیت‌الله جعفری به روایت اسناد ساواک» با حضور حجت‌الاسلام تقوی، رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه کشور، در کرمان برگزار شد. برخی حضور حجت‌الاسلام تقوی در کرمان را بی‌ارتباط با ماجرای استعفای امام‌جمعه نمی‌دانند. برخی هم ماجرا را به فشارهای چهره‌های نزدیک به جبهه پایداری در استان کرمان نسبت می‌دهند.

افراد زیادی از استاندار گرفته تا محمود دعایی و اسحاق جهانگیری تلاش کردند مانع استعفای آیت‌الله جعفری شوند، اتفاقی که رخ نداد. فرزند آیت‌الله جعفری گفته است: «با وجود اینکه روحانیونی مثل آقای دعایی و یکی از فرماندهان باسابقه نظامی با استعفای او مخالفت کرده‌اند، اما فشارها برای استعفای او ادامه داشته است». آیت‌الله جعفری ۳۷ سال است که خطبه‌های نماز جمعه کرمان را ایراد می‌کند. او در سال ۱۳۵۹ با حکم امام خمینی(ره) به‌عنوان نماینده ولی فقیه و امام‌جمعه کرمان منصوب شد. او اصلاتا اهل کوهبنان است.

در شرایطی که برخی تریبون‌های نماز جمعه عملکرد جناحی به خود گرفته، آنها که در این سال‌ها پای خطبه‌های او نشسته‌اند، گواهی می‌دهند که رویه‌اش همواره بر وحدت بوده و هیچ‌گاه اجازه نداده است تندروی‌ها و سیاسی‌کاری‌ها خدشه‌ای به وحدت کرمان وارد کنند. گفته می‌شود یکی از ویژگی‌های آیت‌الله جعفری ولایت‌مداری و بی‌طرفی او در سیاست است و هیچ‌گاه دیده نشده که از جناحی جانبداری کند. او در این سال‌ها رابطه نزدیکی با مقام معظم رهبری، سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، حسن روحانی و رئیس دولت اصلاحات داشته است. مشی سیاسی آیت‌الله جعفری اعتدالی است و از نزدیکان فکری به اندیشه‌های مرحوم هاشمی‌رفسنجانی و حامیان دولت روحانی به شمار می‌آید.

ادامه از صفحه ۶

می‌ترسم در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ یک «حرّاف» انتخاب شود

- نمی‌توانیم اسمش را هم سهم‌خواهی بگذاریم، می‌خواهند کابینه طوری چیده شود که به مواضع خودشان نزدیک‌تر باشند. حتی عده‌ای تلاش می‌کنند کسانی که می‌خواهند در کابینه مستقر شوند، خیلی موضع ضد آنها نداشته باشند. حتی من باهنر هم ممکن است ناامید باشم از اینکه کسی از دوستان من به کابینه برود، اما شاید علاقه‌مند باشم کسانی در کابینه جای بگیرند که خیلی هم شمشیر را از رو برای من و دوستانم نکشند!

- در زمان انتخابات، شاید همه جریان‌ها دنبال چهره‌ای هستند که میزان رأی‌آوری‌اش بالا باشد. روی رأی‌آوری هم خیلی از پارامترها اثر دارد. من باز تکرار می‌کنم در این فضایی که ما جلو می‌رویم، می‌ترسم که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ یک «حراف» انتخاب شود! کسی که در انتخابات ریاست‌جمهوری بتواند زود جواب دهد، پایین و بالا کند و سریع لوله کند و از این حرف‌ها... . این مسائل را باید برایش فکری کرد. این مسیر، مسیر عاقبت‌به‌خیری نیست. باید صداوسیما و رسانه‌ها، این مسیر را یک مقدار اصلاح کنند.

- مگر اینکه جمنا را یک حزب تمام بدانند که من این گمان را ندارم. تا آنجا که من شنیدم جمنا این ادعا را ندارد و گفته است می‌خواهد احزاب اصولگرا را حول یک محور جمع کند. بنابراین اگر جمنا خودش یک حزب نباشد، دیگر دولت در سایه هم معنا ندارد، لازمه استقرار دولت در سایه وجود یک حزب است.

- من گفته‌ام که الان دیگر موفقیت دولت را موفقیت نظام می‌دانم. شاید تا چند روز قبل رقیبمان بود اما امروز حتی آنها که اعتقاد دارند دولت ضعیف است، باید همراه آن باشند و کمک کنند. مثلا دولت را یک لیوان آب فرض کنیم که مقداری از لیوان خالی است، فرض کنید ۵۰ درصد از این لیوان آب دارد، اما برخی می‌خواهند وانمود کنند که تنها ۳۰ درصد ظرفیت این لیوان آب است، خب این ۵۰ درصد دارد برای نظام کار می‌کند و هرچه ظرفیتش را کمتر کنیم نظام و مردم ضرر می‌بینند.

- یک عده هم ممکن است تلاش کنند تا این ۵۰ درصد را ۷۰ درصد نشان دهند که این هم درست نیست. این دو دیدگاه متفاوت است که من روی این دو دیدگاه فارغ از بحث سیاسی و جناحی ارزش‌گذاری می‌کنم.

اعتراف مشائی به اشتباه

باید به آنها حق بدهیم

شرق: هر دو با هم یادداشت نوشته‌اند. رئیس و مرئوس و از ظلم گفته‌اند. احمدی‌نژاد که در یادداشت قبلی خود در حمایت از حمید بقایی از عنوان «گزارش یک ظلم بزرگ» استفاده کرده بود. این بار هم از دو «ظلم بزرگ» نوشته است. اما مشائی در یادداشت خود از بازداشت‌های قبلی اعلام برائت کرده و گفته است به منتقدان حق می‌دهد. حق انتقاد به سکوت او و جریانش در برابر آنچه بر سر جریان‌های سیاسی دیگر رفت. یادداشت تظلم‌خواهی نخست احمدی‌نژاد در حمایت از بقایی که منتشر شد و از عدم رعایت حقوق متهمان گفت، صدای معترضان در شبکه‌های اجتماعی برخاست. او به طور مشخص به پوشاندن دمپایی بدون جوراب به متهم اشاره کرده و آن را نشانه بی‌احترامی یا نقض حقوق متهم دانسته بود. موج اعتراضات توییتری به سمت او سرازیر شد. برخی عکس‌های متهمان سال‌های گذشته که دقیقا با همان شکل در دادگاه ظاهر شده بودند، منتشر شد با طرح این سؤال که احمدی‌نژاد چرا آن زمان به فکر حقوق متهمان نبود؟ آن هم درحالی‌که رئیس دولت بود. آیا فقط وقتی پای نزدیکان و حلقه یاران در میان است او یاد عدالت‌خواهی می‌افتد؟! یادداشت اخیر اسفندیار رحیم‌مشائی در سایت دولت بهار به نظر واکنشی است به آن واکنش‌ها. او نوشته است: «اما حقیقت این است که اگر قرار باشد عدالت و انصاف را در نظر بگیریم باید به آنها حق بدهیم. بله من به آنها برای انتقادشان حق می‌دهم». او در ادامه مدعی شده که بازداشت بقایی باعث خودآگاهی «جریان بهاری» هم شده است: «شاید برخوردهای به‌شدت سیاسی و ظالمانه مقامات در پرونده آقای بقایی موجبات بیداری و خودآگاهی بیشتری را حداقل در بنده فراهم کرده باشد. همچنان که چنین تغییری را در طیف وسیعی از افراد آگاه و هوشیار در گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی در سراسر کشور شاهد هستم؛ که برای چنین تحولی، دادن هزینه‌هایی مثل فشارهایی که برادرم آقای بقایی تحمل می‌کند، البته و صدالبته، اجتناب‌ناپذیر است». در ادامه هم گفته است: «چه آنها باور کنند یا نکنند، این هم حقیقتی است که خدا از آن آگاه است؛ اینکه بنده، آقای احمدی‌نژاد، آقای بقایی، به همراه بسیاری از بهاری‌ها و حتی بسیاری از زنان و مردانی که از طرفداران جریان اصولگرایی بوده‌اند، هرگز به دستگیری و بازداشت کسی به خاطر دیدگاه و فعالیت سیاسی او راضی نبوده و نیستیم».

حمایت از حلقه

احمدی‌نژاد وقتی رئیس دولت بود گفته بود کابینه خط قرمز من است. او روی این حرفش هم ایستاد. سال ۹۰ که برای بازداشت جوانفکر، مدیرمسئول روزنامه ایران، رفته بودند و کار به درگیری در روزنامه کشیده شد، محمود احمدی‌نژاد برای رسیدگی به این موضوع، حتی حضور در نشست شهدای غدیر را نیمه‌تمام گذاشت و درنهایت خبرگزاری فارس در گزارشی اعلام کرد اجرای حکم بازداشت سرپرست مؤسسه ایران، به دستور «مقام‌های بالا» فعلا متوقف شده است. جوانفکر را بعدا وقتی که احمدی‌نژاد در سفر نیویورک بود، برای اجرای حکم فراخواندند. زمانی که جوانفکر دوران حبسش را می‌گذراند، احمدی‌نژاد برای بازدید از اوین، کارش به نامه‌نگاری‌های تندی با رئیس قوه قضائیه کشید. بهانه بازدیدش این بود که به‌عنوان رئیس‌جمهوری موظف به اجرای کامل قانون اساسی هستم.

در نامه‌اش نوشته بود: «به استناد اصول متعدد قانون اساسی، ازجمله اصل ۱۱۳ و سوگند شرعی اصل ۱۲۱، مصمم به اجرای کامل قانون اساسی و اصلاح اساسی و ریشه‌ای امور کشور هستم و مطمئنا با سرکشی از زندان‌ها و برخی دادگاه‌ها، نحوه اجرای اصول قانون اساسی و رعایت حقوق اساسی ملت را مورد بررسی قرار داده و گزارش آن را به ملت بزرگ و مقام معظم رهبری تقدیم خواهم کرد». آن زمان کسی سخن احمدی‌نژاد را باور نکرد؛ چراکه تا پیش از بازداشت جوانفکر و بعد از ماجراهای سال ۸۸، او یک لحظه هم به فکر بازدید از اوین نیفتاده بود. احمدی‌نژاد از چه چیزهایی شکایت کرده است؟ از این شکایت کرده که حمید بقایی را با دمپایی و بدون جوراب به دادگاه برده‌اند؛ این اتفاق نخستین‌بار نیست که روی می‌دهد. احمدی‌نژاد که مدعی بود سوگند خورده تا قانون اساسی را رعایت کند، هیچ‌وقت به حضور متهم با دمپایی و بدون جوراب در دادگاه‌ها، اعتراضی نکرده بود. احمدی‌نژاد در نامه چند وقت قبل خود چندین اصل از قانون اساسی را در ارتباط با حقوق اساسی مردم و متهم ذکر کرده و در نهایت از رخ‌دادن ظلمی بزرگ خبر داده بود.
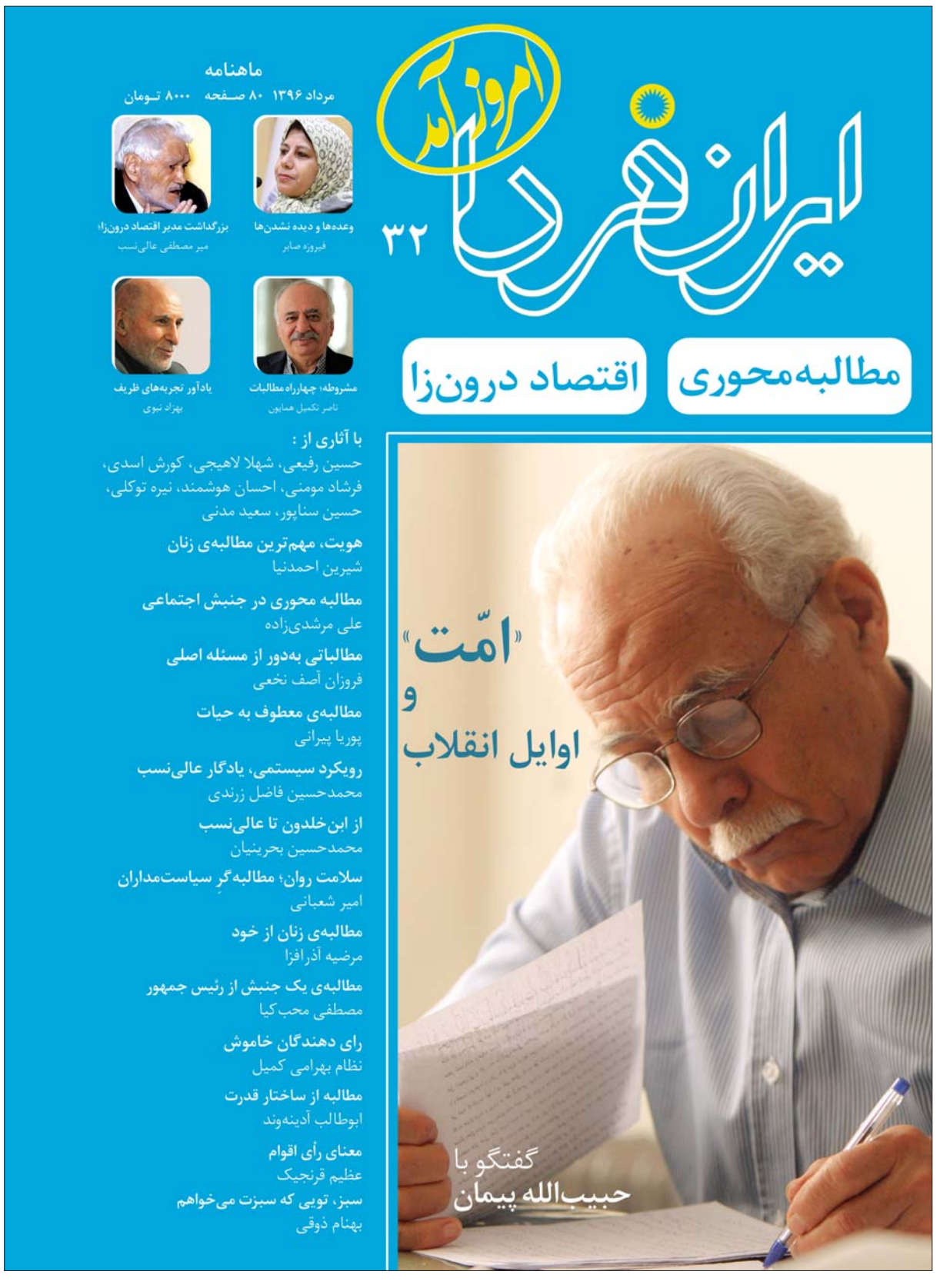
احمدی‌نژاد در نوشته اخیرش هم آیه‌هایی از قرآن را هدفمند انتخاب کرده و کنار هم قرار داده است. احمدی‌نژاد بدون اشاره به مصداق خاصی صرفا از دو ظلم بزرگی که طبق آیات قران بخشیده نمی‌شود و عذاب الهی را در پی دارد نام برده است. آیه ۱۳ سوره لقمان، آیه ۴۸ سوره نساء، آیه ۲۲۷ سوره شعرا، آیه ۱۸ سوره غافر، آیه ۱۲۹ سوره انعام را آورده و معنی و تفسیر آن را هم به فارسی نوشته است. مثلا در مقابل آیه ۱۸ سوره غافر نوشته است: «آنان که ظلم و ستم کردند ممکن است اینجا یک باندی باشند و کمک‌کار هم باشند ولی روز قیامت حمیمی نیست».